



گفت‌وگوی صبا
با عوامل نمایش «باخ»

موسیقی و رویایی که زنده می‌ماند

بهزاد عبدی، نویسنده و کارگردان:

باخ روح موسیقی است

آیا تعریف تئاتر موزیکال به درستی جا افتاده است و اینکه آیا این نمایش تئاتر موزیکال محسوب می‌شود؟

ما یک نمایش موزیکال داریم که اتفاقات نمایشی در آن می‌افتد و موسیقی در راستای نمایش به صورت آواز اجرا می‌شود مثلاً دیالوگ‌ها به صورت آواز گفته می‌شوند مانند اثر اشک‌ها و لبخندها که به ذات نمایش هستند و در کنارشان یک سری دیالوگ به صورت آواز می‌آید که تکمیل‌کننده ماجرا هستند. غیر از این واژه‌های به نام کنسرت نمایش نیز داریم که آقای محمدرحمانیان در آثاری مانند ترانه‌های قدیمی و ماندگار به این شیوه کار کردند یعنی نمایشی اجرا می‌شود و در بین اپیزودها خواننده می‌آید و قطعه‌ای را اجرا می‌کند که کنسرت نمایش نامیده می‌شود. اما اینکه ما ملغمه بسازیم که معلوم نیست نمایش موزیکال می‌بینیم یا کنسرت امروز خیلی زیاد شده است. آثاری که نه تئاتر آن تئاتری که باید است و نه موسیقی‌اش آنچه که باید. اما کاری که من نوشتم هیچکدام از این دو نیست و در نمایش باخ موسیقی جزوی از اثر است و شاید بتوان به نوعی آن را موزیکال دانست ولی نه در ابعاد موزیکال چرا که آثار موزیکال معمولاً بیگ پروداکشن هستند و به این راحتی نمی‌توان یک اثر را نمایش موزیکال نامید.

هر چند که در این نمایش باخ، یک نمود جسمانی پیدای گنداما از موزیسین‌های دیگری نیز یاد می‌شود.

در این نمایش باخ در واقع نماینده روح تمام موزیسین‌های بزرگ و نماینده روح موسیقی است. اگر در کشور ما به موزیسین‌های بزرگ مان به اندازه باخ بها داده می‌شدد واقعاً باخ زمانه ما افرادی مانند فرهاد فخرالدینی، حسین علیزاده، محمدرضا لطفی، پرویز مشکاتیان، آقای دهلوی و... بودند کسانی که به عقیده من باخ‌های زمانه ما بوده و هستند و باید عنایت ویژه‌ای به آن‌ها داشت و در اصل جهانی با آنها برخورد کرد و برایشان ارزش قائل شد.

آیا علت خاصی داشت که از میان تمام موزیسین‌های نام‌آور باخ را انتخاب کردید؟

بله باخ نه تنها برای من بلکه برای تمام بزرگان موسیقی جهان اگر نگوییم خدا است، نسبت به موسیقی در جایگاه الوهیت قرار دارد.

باز خورد مخاطبان در اجراهای تاجیکستان چگونه بود؟

خوشبختانه مخاطبان در تاجیکستان به شکل باورنکردنی و به شدت با این نمایش ارتباط برقرار کردند و علاوه بر تئاتری‌ها و هنری‌ها، مردم عادی نیز قصه و مانیفست قصه را درک کرده بودند و این برای من بسیار جذاب بود به خصوص که مادکور هم نبرده بودیم و تنها با نور تمام صحنه‌ها را اجرا کردیم.

سخن‌یابانی

خیلی خوشحال می‌شوم که مخاطبان بیایند و کار را ببینند. خوشبختانه باز خورده‌ای که تا این لحظه از مخاطبین گرفته‌ایم بسیار خوب بوده تا حدی که در پایان اجرا مخاطبین برای دقایق طولانی تشویق می‌کنند و این نشانه حال خوب مخاطب پس از اجرا و انرژی خوبی است که کار به مخاطب و مخاطب به ما داده است. پیش‌نهاده من این است که اگر به نمایش‌هایی از این جنس علاقه‌مند هستند بیایند و کار را ببینند و ایمان دارم که پشیمان نخواهند شد.

آیا اهمیت موسیقی در تئاتر سبب شد که به سمت نوشتن چنین نمایش‌نامه‌ای بروید؟

هم‌بله و هم خیر در ابتدا باید بگویم که خود موسیقی تئاتر تعریفی دارد که نمی‌توان گفت فقط در ایران اما از تعریف خود خارج و تبدیل به یک موسیقی زمینه‌ای مثل موسیقی فیلم شده است و این روزها کمتر تئاتری می‌بینیم که موسیقی در بافت اثر تعریف شده باشد و موسیقی نمایش باشد. بر خوردی که با موسیقی صورت می‌گیرد بیشتر از جنس موسیقی فیلم است یعنی صدایی پخش می‌شود و باز یگر بازی‌اش را می‌کند و اتفاقاتی که پیرو آن است و من چندان موافق این قضیه نیستم هر چند که گاهی این کار را انجام داده باشم سعی کردم در بافت خود اثر باشد. در این نمایش باخ نیز تمام تلاش‌م را کردم تا از هویت موسیقایی باخ استفاده کنم و قصه‌ای را بسازم و قصه موسیقی بر اساس قصه شخصیت‌ها پیش برود و یک اتفاق موسیقایی دراماتیک بیفتد. نگاه من به موسیقی تئاتر بر این اساس است که سعی کردم در این اثر نیز رعایتش کنم.



دور دوم اجراهای نمایش «باخ» به نویسندگی و کارگردانی بهزاد عبدی موزیسین شناخته شده کشورمان پس از

مریم عظیمی
گفت‌وگو

اجرای این اثر در کشور تاجیکستان این بار در سالن نوفل لوشاتو آغاز شده است. «باخ» داستان تماشاخانه‌ای است که طی اتفاقات سیاسی و اجتماعی دست به دست شده و حال به مکانی برای تقابل اندیشه، هنر و تعصب تبدیل شده است. این نمایش صدا و آروزهای بخشی از جامعه که در انتظار شنیده شدن هستند را فریاد می‌زند. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.